

بررسی اختلاف فتوای فقها درباره اثبات رویت هلال ماه رمضان

اگر بین نظر حاکم اسلامی و مرجع تقلید تزامن ایجاد شود، مثلا سال گذشته در کشور ما عید فطر اعلام شد اما آیت ا... سیستمی آن روز را عید فطر اعلام نکردند، در این گونه موارد چه باید کرد؟



اگر بین نظر حاکم اسلامی و مرجع تقلید تزامن ایجاد شود، مثلا سال گذشته در کشور ما عید فطر اعلام شد اما آیت ا... سیستمی آن روز را عید فطر اعلام نکردند، در این گونه موارد چه باید کرد؟

به گزارش شبکه اجتهاد، در روایات آمده است که «#صم للرویه و افطر للرویه» یعنی با رویت روزه بگیر و با رویت افطار کن. بر اساس این روایت و مانند آن فقهایی عظام فتوا داده اند که باید یا ماه رمضان رویت شود و یا ۳۰ روز از ماه شعبان بگذرد تا بتوان روزه گرفت. همین اهمیت استهلال سبب شده است تا فصلی در فقه به آن اختصاص یابد و رساله های متعددی در این باره از سوی فقها تألیف شود. از طرفی اختلاف مبناي فقها در بحث استهلال طی سال های اخیر اذهان مومنان را نسبت به استهلال حساس کرده و پرسش هایی را در میان آن ها مطرح کرده است. این تفاوت مبنا هم در میان فقهایی شیعه کم و بیش وجود دارد و هم در میان مذاهب اسلامی. در میان فقها از جهاتی مانند شرط وحدت یا عدم وحدت افق، اثبات رویت با حکم حاکم، درستی رویت با چشم مسلح و مانند آن تفاوت مبنا وجود دارد. در میان مذاهب اسلامی هم مهم ترین دلیلی که باعث اختلاف در آغاز و انجام روزه ماه رمضان در میان کشورهای اسلامی می شود تفاوت مبناي آن ها درباره رویت هلال است در گفت و گویی با حجت الاسلام رضا مختاری از محققان حوزه علمیه قم احکام استهلال را بررسی کرده ایم که تقدیم می گردد.

گفته می شود استهلال ماه موضوعی است مربوط به مکلف و نه مرجع تقلید. یعنی اگر برای مکلف یقین حاصل شد که ماه دیده شده است او نیازی به حکم مرجع تقلید ندارد، این مسئله به چه معنایی است؟ به این معناست که اگر هر یک از ما، ماه را دیدیم و یقین کردیم آن چه رویت کرده ایم ماه است ولو حلول ماه برای مرجع تقلید ما ثابت نشود، ما مکلفیم به قطع و یقین خود عمل کنیم. یعنی لازم نیست حتما برای مرجع تقلید ما استهلال ثابت شود بنابراین اگر خودمان ماه را رویت کردیم یا کسانی رویت کرده اند که ما به گفته آن ها اطمینان داریم مثل مقام معظم رهبری، این امر برای ما حجت است و نیازی به نظر مرجع تقلید خودمان نیست. به خصوص این که مثلا ما می دانیم مقام معظم رهبری در این زمینه بهترین و دقیق ترین امکانات را در اختیار دارند و نمایندگان زیر نظر ایشان می توانند رویت ماه را اعلام کنند. پس حکم ایشان برای ما یقین آور است و نیازی به کسب نظر مرجع تقلید خودمان نیست.

مسئله استهلال ماه در چه بخش هایی تقلیدپذیر است و مکلف باید به نظر مرجع تقلید خود مراجعه کند؟ این که آیا رویت هلال ماه فقط با چشم عادی معتبر است یا با چشم مسلح و با تلسکوپ نیز معتبر است که تقلیدی است. اگر مرجعی معتقد بود که فقط با چشم عادی رویت هلال معتبر است، مقلدان نمی توانند با چشم غیرمسلح هلال ماه را اثبات کنند. البته بیشتر مراجع رویت ماه با چشم مسلح را هم معتبر می دانند. موضوع دیگری که باز باید مکلف تقلید کند، این است که اتحاد افق شرط است یا نیست؟ بیشتر مراجع از جمله امام(ره)، مقام معظم رهبری، مرحوم فاضل لنکرانی و... اتحاد افق را در استهلال ماه شرط می دانند. به عنوان مثال اگر ماه در مشهد دیده شد، این رویت برای شهر اهواز هم که در غرب کشور قرار دارد معتبر است چون این دو شهر اتحاد افق دارند. اما اگر ماه در مشهد دیده شد این برای شمال آفریقا معتبر نیست چون این دو منطقه اتحاد افق ندارند. مراجعی مثل آیت ا... خویی اتحاد افق را شرط نمی دانند.

اتحاد افق یا نداشتن اتحاد به چه معنایی است؟

این که اگر مانعی مثل ابری بودن هوا یا رطوبت بالا یا آلودگی هوا و... نباشد ماهی که مثلا در مشهد دیده می شود، در تبریز نیز دیده شود به این اتحاد افق می گویند. پس ممکن است ماهی که در یک نقطه دیده شود، در نقطه دیگر دیده نشود آن هم به دلیل مانعی که هست مثل آلودگی هوا؛ ولی این مانع سبب نداشتن اتحاد افق نیست. نبود اتحاد افق هم به این معناست که مثلا اگر ماه در مشهد دیده شد، در یکی از شهرهای ترکیه مانعی نبود، اما ماه با چشم عادی یا مسلح دیده نشده است، پس این دو شهر اختلاف افق دارند. برخی گمان می کنند اتحاد افق به معنای غروب یا طلوع آفتاب است. در حالی که به معنای دیده شدن یا نشدن ماه است نه خورشید. حتی ممکن است در کشور وسیعی مثل روسیه دو شهر با هم اتحاد افق نداشته باشند اگر چه در ایران این اتحاد افق در همه مناطق وجود دارد. بیشتر فقها همچون مقام معظم رهبری، امام(ره)، آیت ا... فاضل لنکرانی، مکارم شیرازی، گلپایگانی و ... حکم حاکم اسلامی را در استهلال ماه معتبر می دانند. این هم مسئله ای تقلیدی است. به این معنا که اگر برای حاکم اسلامی که در حال حاضر مقام معظم رهبری در کشور ما هستند، ثابت شود که ماه دیده شده، این حکم معتبر است و این دیدگاه را اگر مرجعی بپذیرد، مقلدان

هم می پذیرند اما مراجعی مثل آیت ا... خویی یا آیت ا... شبیری زنجان که حکم حاکم را معتبر نمی دانند، برای مقلدانشان هم معتبر نیست چون آن ها باید در این مسئله از مرجع خود تقلید کنند. اگرچه مشهور فقها حکم حاکم را معتبر می دانند، پس اگر حاکم اسلامی اعلام حلول ماه را کرد، مراجعی که حکم حاکم را معتبر می دانند و مقلدانشان، این حکم را می پذیرند.

اگر بین نظر حاکم اسلامی و مرجع تقلید تراحم ایجاد شود، مثلاً سال گذشته در کشور ما عید فطر اعلام شد اما آیت ا... سیستانی آن روز را عید فطر اعلام نکردند، در این گونه موارد چه باید کرد؟ این نظرات قابل جمع است، سال گذشته آیت ا... سیستانی نگفتند من یقین دارم عید فطر نیست، بلکه فرمودند برای من عید فطر ثابت نشده است. حالا اگر مقلدان ایشان به هر دلیلی یقین یافتند که عید فطر است، نیازی به اعلام نظر مرجع تقلید خود ندارند. چون این مسئله تقلیدی نیست.

گاهی برای مردم سوال پیش می آید که چطور در بیشتر کشورهای اسلامی که البته مسلمانان آن اغلب اهل تسنن هستند، حلول ماه رمضان اعلام می شود و آن ها یک روز از ما زودتر روزه می گیرند اما در کشور ما حلول اعلام نمی شود. به چه دلایلی این اختلاف وجود دارد؟

یک دلیل این اختلاف همان اختلاف افق است که بیشتر علمای اهل سنت اتحاد افق را مثل علمای ما شرط نمی دانند. تفاوت مهم دیگر به اختلاف مبانی فقهی ما بر می گردد؛ به این معنا که آن ها بر اساس مبانی فقهی خود که برای ما معتبر نیست، حلول ماه را اعلام می کنند. مثلاً آن ها بر اساس محاسبات نجومی حلول ماه را اعلام می کنند. برخی کشورها می گویند اگر از خروج ماه در محاق فلان ساعت گذشت حلول ماه اتفاق افتاده و ... اما ما معتقدیم باید ماه قابل رویت باشد. یعنی مسئله رویت پذیری شرط است و مانعی نباید در فضا باشد و ماه دیده شود. اگر مانعی نبود و ماه دیده شد این معتبر است. البته باید این توضیح را داد که مسئله ماه ذی الحجه در زمینه حلول ماه با رمضان فرق می کند. فقهایی ما حکم داده اند که در ماه ذی الحجه حجاج ما از اعلام ماه توسط دولت سعودی پیروی کنند و حشاشان نیز صحیح است ولو این که مطابق واقع نباشد. معمولاً دولت عربستان روز عرفه یا عید قربان را یک روز از کشور ما زودتر اعلام می کند و حاجیان ما همه که در حج هستند مطابق همان عمل می کنند و اشکالی هم ندارد اما در مسئله ماه رمضان این تفاوت و اختلاف لحاظ می شود.

حلول ماه از چه راه هایی قابل اثبات است؟

اگر از اول ماه ۳۰ روز بگذرد، بی گمان رسیدن ماه بعدی قطعی است مثلاً اگر اول شعبان برای ما ثابت شود و ۳۰ روز نیز از آن بگذرد، به طور قطع روز بعد اول ماه رمضان است. رویت ماه توسط خود فرد یا توسط افرادی که ما به گفته آن ها اطمینان داریم، یکی دیگر از راه های اثبات حلول ماه است.

محاسبات نجومی قابل اطمینان نیز معتبر است. مثلاً منجمان که متخصص اند اتفاق نظر کنند که فردا اول ماه است، حرف آن ها معتبر است. حکم حاکم اسلامی و به طور کلی هر راه دیگری که اطمینان آور باشد، معتبر است و حلول ماه را اثبات می کند.

اگر در پایان این گفت و گو نکته ناگفته ای در زمینه حلول ماه باقی مانده است، که ذکر آن را لازم می دانید، بفرمایید؟ مردم نباید در زمینه حلول ماه دچار التهاب و استرس شوند، ما مکلف به واقع نیستیم بلکه مکلف به عمل به آن چیزی هستیم که برای ما اثبات شده و یقین آور است. اگر خدای نکرده به هر دلیلی به واقع دست نیافتیم گناهی نکرده ایم چون ما ملزم به رعایت ظاهر هستیم حتی آمده است که اگر کسی باز هم مردد شد که اول ماه چه زمانی است و در ادامه در شب های قدر دچار تردید شد، او می تواند دو شب قدر را شب زنده داری کند.

منبع: روزنامه خراسان